

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته، به بررسی سندی روایت جمیل بن دراج از طائفه دوم از ادله خاصه دال بر توسعه پرداخته شد، مرحوم شیخ این روایت را مرسله می داند و مرحوم صاحب جواهر از آن تعبیر به صحیحه دارد. مرحوم صاحب جواهر در مقابل شیخ انصاری تلاش کرد تا با استناد به نقل نوادر احمد بن محمد بن عیسی، ارجاعات محقق در المعبر، و اعتماد به اصل جمیل بن دراج، ارسال روایت را رفع کند و به آن اعتبار ببخشد.

کما اینکه مرحوم شیخ علی‌رغم بیان اشکال ارسال در روایت، احتمال داده که محقق در المعبر این روایت را مستقیم از اصل جمیل بن دراج گرفته باشد، لذا سند روایت مشکلی ندارد و مورد پذیرش است.

بررسی عبارت مرحوم محقق از العزیه

در جلسه گذشته عبارت مرحوم شیخ که فرمود «ولو سلمنا أن الوقت ليس بممتدّ فما المانع من أن يكون ذلك للتقية في القضاء» مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت اما با رجوع به خود کتاب العزیه معلوم می شود که اصل عبارت در این کتاب «للكيفية في القضاء» است.

برداشت اولیه از «تقيه در قضا» این است که فرد نمازی را که باید قضاء بخواند، به نیت اداء بخواند تا تقیه رعایت شود، این تفسیر با توجه به شرایط اجتماعی و فقهی آن زمان که رعایت ظاهر مطابق با نظر عامه ضروری بوده، توجیه‌پذیر است. به عبارت دیگر، فرد برای حفظ ظاهر و رعایت تقیه، نیت اداء می‌کند، اما در واقع نماز او قضاء است.

اما اگر نسخه صحیح «للكيفية في القضاء» باشد، می‌توان گفت منظور محقق این است که روایت در مقام بیان کیفیت خواندن نماز قضا است، نه در مقام تعیین وقت آن. در این صورت، اشکال تقیه‌ای بودن روایت به نحوی منتفی می‌شود، چراکه روایت اساساً به بیان کیفیت می‌پردازد، نه تقیه در نیت یا امتداد وقت، اما این تفسیر در مقایسه با «تقيه در قضا» کمتر با سیاق روایت هماهنگی دارد. ضمن اینکه روایت اساساً در مقام بیان امتداد وقت است، نه کیفیت ادای قضا.

در نتیجه به نظر می‌رسد، با وجود احتمال نسخه‌ی «للكيفية في القضاء»، تعبیر «للتقية في القضاء» رجحان دارد. چراکه این تعبیر هم با فضای اجتماعی و فقهی زمان صدور روایت سازگارتر است، و هم با سیاق بحث که پیرامون تقیه و رعایت ظاهر در مقابل عامه بوده، مطابقت بیشتری دارد.

بررسی دلای روایت جمیل بن دراج

پس از بررسی سند روایت و بیان ادله صحت سند که از سوی مرحوم صاحب جواهر مطرح شد، به بررسی دلای این روایت می‌پردازیم.

عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ يَفُوتُ الرَّجُلُ الْأُولَى وَالْعَصْرُ وَالْمَغْرِبُ وَ ذَكَرَهَا عِنْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ قَالَ يَبْدَأُ بِالْوَقْتِ الَّذِي هُوَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يَأْمَنُ الْمَوْتَ فَيَكُونُ قَدْ تَرَكَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي وَقْتٍ قَدْ دَخَلَتْ ثُمَّ يَقْضِي مَا فَاتَهُ الْأُولَى فَأَلَّوَلَى. [1]

جمیل بن دراج در مورد وظیفه فردی که نماز ظهر، عصر و مغرب از او فوت شده و هنگام نماز عشاء یادش می‌آید، می‌پرسد، در برخی منابع حدیثی به جای «عند العشاء الآخرة»، عبارت «بعد العشاء الآخرة» آمده که این اختلاف نسخه نیازمند بحث و دقت است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «ببدأ بالوقت الذي هو فيه» نماز را با همان نمازی که وقتش اکنون رسیده (یعنی نماز حاضره) شروع کند، امام (علیه السلام) استدلال می‌کنند «فإنه لا يأمن الموت، فيكون قد ترك صلاة فريضة في وقت قد دخلت» زیرا ممکن است مرگ او فرا رسد و در این صورت، نمازی را که وقت آن رسیده، ترک کرده باشد. این روایت به صراحت دستور می‌دهد که فرد در چنین شرایطی ابتدا نماز حاضره را اقامه کند و سپس به قضاء نمازهای فائته بپردازد و این مطلب قول به مواسعه در نمازهای فائته را اثبات می‌کند.

ظاهر روایت بیان می‌کند که فردی نمازهای ظهر، عصر و مغرب را از دست داده و در وقت نماز عشاء متوجه این مسئله شده است، ابتدا نماز عشاء (نماز حاضره) را بخواند سپس فائته‌ها را به ترتیب، از ظهر تا مغرب، بجا آورد. این ترتیب نشان‌دهنده لزوم تقدم نماز حاضره بر فائته‌ها است، که موضوع اصلی استدلال محسوب می‌شود.

احتمالات در خصوص عبارت «عند عشاء الآخرة»

احتمال اول: به معنای پس از زهاب حمره مغربیه

این احتمال بر این اساس است که وقت نماز مغرب با زهاب حمره مغربیه تمام می‌شود، این دیدگاه مطابق نظر اهل سنت و برخی دیگر از اقوال فقهی است، بر این اساس، پس از زهاب حمره، وقت اختصاصی عشاء آغاز می‌شود و نماز مغرب دیگر در وقت ادا نیست، بلکه قضا محسوب می‌شود.

احتمال دوم: آخرین وقت عشاء

در این احتمال به نهایت وقت عشاء اشاره دارد که طبق قولی که پایان وقت عشاء را نصف شب می‌داند، به نصف شب یا مطابق برخی آرای دیگر به ثلث شب یا ربع شب و یا بر اساس نظر مشهور امامیه که وقت نماز عشاء تا طلوع فجر می‌داند به طلوع فجر، منتهی می‌شود.

طبق این احتمال، اگر فرد در این زمان یادش آمد که نماز ظهر، عصر و مغرب از او فوت شده است، به دلیل اینکه وقت اختصاصی نماز عشاء است، امام (علیه السلام) دستور می‌دهند؛ ابتدا نماز عشاء حاضره اقامه شود، زیرا هنوز در وقت مشروع آن قرار دارد و سپس نمازهای فائته یعنی ظهر، عصر و مغرب به ترتیب قضا شوند.

احتمال سوم: مطلق وقت العشاء

احتمال سوم بیان می‌کند که «عند العشاء الآخرة» به مطلق وقت نماز عشاء اشاره دارد؛ یعنی بازه زمانی‌ای که از ابتدای وقت عشاء (بعد از غروب و اتمام وقت مغرب) تا انتهای وقت عشاء، که می‌تواند بر اساس دیدگاه‌های مختلف؛ ثلث شب، نصف شب، یا طلوع فجر باشد، امتداد دارد.

احتمال چهارم: بعد وقت العشاء

احتمال دیگری هم مطرح است که اصل عبارت روایت به جای «عند العشاء الآخرة»، «بعد العشاء الآخرة» بوده باشد، و تصحیف در روایت رخ داده باشد، در این صورت، «و ذکرها بعد العشاء الآخرة» به این معناست که در وقت صبح، نمازهای فوت شده را به یاد آورده است. در نتیجه، عبارت «يبدأ بالوقت الذي هو فيه» به این معنا خواهد بود که ابتدا باید نماز صبح را که نماز حاضر است بخواند، و سپس فائده‌های خود یعنی ظهر، عصر، مغرب و عشاء را به ترتیب قضا کند.

بررسی عبارت «يفوته الاولى و العصر و المغرب»

این عبارت نیز محل اشکال است، زیرا کسی که در زمان وقت عشا است، این وقت مشترک بین مغرب و عشا است و فوت مغرب در این صورت معنی ندارد لذا احتمالات مختلفی نسبت به آن مطرح شده است.

1. مراد از مغرب، مغرب شب گذشته باشد، این احتمال در کلام مرحوم صاحب جواهر[2] و شیخ انصاری[3] مطرح شده است ولی با ظاهر عبارت سازگار نیست.

2. سهو از سوی سائل باشد، در این احتمال گفته می‌شود که ذکر «مغرب» از سوی سائل دچار اشتباه یا سهو شده است.

صاحب جواهر این احتمال را مطرح کرده و گفته است «و ذکر المغرب فی سؤاله مع احتماله الغلط[4]»؛ یعنی ممکن است سائل در طرح سؤال دچار اشتباه شده باشد و به اشتباه نماز مغرب را در کنار ظهر و عصر آورده است.

شیخ انصاری نیز در توضیح این احتمال به روایت دیگری اشاره می‌کند که در آن سهو سائل به‌خوبی مشهود است، مانند سؤالاتی درباره تداخل اغسال که موارد واجب و مستحب را با هم مخلوط کرده است.

و یحتمل أيضا أن يكون قد وقع ذكره على سبيل السهو من السائل في مقام ذكر المثل للفوائد، كما جمع في السؤال عن تداخل الأغسال بين غسل العيد و عرفة و الجمعة [5]

3. مراد وقت مغرب و عشاء به‌طور مشترک باشد، در این احتمال گفته می‌شود که وقت مغرب و عشاء تا قبل از تضییق زمانی (یعنی رسیدن به پایان وقت) به‌طور مشترک باقی می‌ماند.

مرحوم شیخ می‌فرماید: «كون وقت العشاء قبل تضيقه وقتاً للمغرب ايضاً[6]»؛ یعنی قبل از اینکه وقت عشاء تنگ و مضیق شود، همچنان وقت مغرب نیز وجود دارد. به عبارت دیگر نماز مغرب در اول وقت خوانده نشده است و شخص در وقت عشاء متوجه شده است، لذا چون هنوز وقت مغرب تمام نشده است عبارت «يبدأ بالوقت الذي هو فيه» بر مغرب و عشاء حمل می‌شود.

جمع بندی

مرحوم شیخ می‌فرماید با وجود این احتمالات، می‌توان از این روایت برای اثبات موسعه استفاده کرد و عدم مناسبت ذکر مغرب با ظاهر سؤال موجب نمی‌شود که جواب روایت از قابلیت استدلال ساقط شود.

إنَّ عدم مناسبة ذكر المغرب لظاهر السؤال لا يوجب سقوط الجواب عن قابلية الاستدلال، فإنَّ ظهور الرواية في تقديم العشاء الحاضرة على قضاء الظهرين ممَّا لا ينبغي إنكاره، و هو كاف في إثبات الموسعة المطلقة، خصوصاً بملاحظة التعليل المذكور فيها. [7]

مرحوم شیخ ادامه می‌دهد ظهور روایت در تقدیم نماز عشاء حاضره بر قضای ظهرین، امری است که قابل انکار نیست و این

بدان معناست که روایت به وضوح دلالت بر تقدم نماز حاضره بر فائته دارد.

اما برای استدلال به این روایت باید به بررسی دقیق تر احتمالات مطرح شده پرداخت.

طبق احتمال اول، اگر مراد از "عند العشاء الآخرة"، پس از زهاب حمزه مغریه باشد در این صورت وقت نماز مغرب تمام شده است و نماز عشاء در وقت خود آغاز می شود. در این صورت، نماز مغرب قضا محسوب می شود و نماز عشاء (حاضره) باید مقدم شود، در این صورت با توجه به اینکه اهل تسنن به قضا شدن نماز مغرب بعد از زهاب حمزه مغریه قائل هستند، و امامیه به این نظر قائل نیست، لذا روایت تقیه ای شده و از موضع استدلال بر مواسعه خارج می شود.

طبق احتمال دوم، اگر مراد از "عند العشاء الآخرة"، آخرین وقت عشاء یعنی به اندازه یک نماز چهار رکعتی باشد، این احتمال با عبارت «یفوته الاولى والعصر والمغرب» در سوال سائل هماهنگ می شود، اما روایت از قابلیت استدلال بر مواسعه خارج می شود زیرا قائلین به مضایقه هم به این مطلب قائل هستند که در وقت اضطراری و مضیق، حاضره بر فائته مقدم می شود.

طبق احتمال سوم اگر مراد از "عند العشاء الآخرة"، مطلق وقت عشاء باشد در این صورت عبارت فوت شدن مغرب در عبارت «یفوته الاولى والعصر والمغرب» به این معنی است که نماز مغرب در وقت فضیلت خود خوانده نشده است و شخص در وقت عشاء متوجه شده است، لذا چون هنوز وقت مغرب تمام نشده است عبارت «بَدَأُ بِالْوَقْتِ الَّذِي هُوَ فِيهِ» نیز بر مغرب و عشاء حمل می شود، طبق این احتمال روایت، قابلیت اثبات مواسعه دارد اما ممکن است اشکال عدم هماهنگی فوت نماز ظهر و عصر به معنای فوت حاضره و فوت نماز مغرب به معنای از دست رفتن وقت فضیلت مغرب، وارد باشد.

طبق احتمال چهارم، اگر احتمال دهیم که در روایت تصحیف رخ داده باشد و اصل روایت «بعد العشاء الآخرة» باشد، روایت قابلیت اثبات مواسعه دارد ولی با توجه به اینکه در همه منابع روایی «عند العشاء الآخرة» آمده است، لذا چنین احتمالی بعید است.

روایت ششم: استدلال به موثقه عمار

روایت مورد بحث، موثقه عمار است که در وسائل الشیعه، ابواب المواقیت، باب ۶۲، حدیث پنجم آمده است. در این روایت، عمار از امام صادق علیه السلام درباره شخصی سؤال می کند که نماز مغربش را تا زمان رسیدن به وقت نماز عشاء نخوانده است.

وَإِسْنَادُهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ تَفَوُّتُهُ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَحْضُرَ الْعَتَمَةُ فَقَالَ إِنْ حَضَرَتِ الْعَتَمَةُ وَذَكَرَ أَنَّ عَلَيْهِ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ فَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يَبْدَأَ بِالْمَغْرِبِ بَدَأْ وَإِنْ أَحَبَّ بَدَأَ بِالْعَتَمَةِ ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ بَعْدُ. [8]

امام (علیه السلام) می فرماید: «اگر وقت عشاء رسیده باشد و به یاد آورد که نماز مغرب بر عهده اوست، اگر بخواهد می تواند ابتدا نماز مغرب را بخواند و اگر بخواهد می تواند ابتدا نماز عشاء را بخواند و سپس نماز مغرب را ادا کند.»

مرحوم شیخ در بررسی این روایت به تفصیل نکاتی را بیان می کند. ایشان می فرماید اگر مراد از نماز مغرب در این روایت، مغرب شب گذشته باشد، استدلال به این روایت کاملاً واضح خواهد بود. به این معنا که وقتی شخص در شب بعدی، هنگام نماز عشاء، متوجه می شود که نماز مغرب شب گذشته را نخوانده است، امام (علیه السلام) در چنین فرضی حکم به تخییر می دهند. شخص می تواند انتخاب کند که ابتدا نماز فائته (مغرب شب گذشته) را بخواند و سپس نماز حاضره (عشاء) را ادا کند، یا

بالعكس، ابتدا نماز عشاء را بخواند و سپس به قضا یا ادای نماز مغرب بپردازد.

احتمال دیگری که در تفسیر این روایت مطرح است، مشابه آن چیزی است که در روایت جمیل بن دراج مطرح شد. بر اساس این احتمال، گفته می‌شود که وقت نماز مغرب با ذهاب الحمرة پایان می‌یابد و پس از آن، وقت نماز عشاء آغاز می‌شود.

بناءً على أنَّ المراد: مغرب اللَّيْلَة السابقة، أو على القول المتقدم من انتهاء وقت المغرب بدخول وقت العشاء، و دلالتُه حينئذٍ على جواز تقديم الحاضرة واضحة. [9]

مرحوم شیخ می‌فرماید اگر این تفسیر را بپذیریم، نتیجه آن این خواهد بود که نماز حاضره (عشاء) بر نماز فائته (مغرب) تقدم پیدا می‌کند.

مرحوم شیخ در ادامه عبارتی دارند که می‌فرماید:

و لا ينافيه الحكم باستحباب تقديم الحاضرة و لا استحباب تقديم الفائتة لإمكان حمل التخيير فيه على ارادة دفع توهم تعيين احد الأمرين. [10]

این عبارت نشان می‌دهد که حکم به تخییر در روایت عمار برای رفع توهم الزام به تقدم یکی از دو نماز (حاضره یا فائته) صادر شده است. به عبارت دیگر، امام علیه‌السلام می‌خواهند بفرمایند که نمازگزار مخیر است: اگر بخواهد، می‌تواند ابتدا نماز فائته را بخواند و سپس نماز حاضره را، و اگر بخواهد، می‌تواند برعکس عمل کند، لذا از نظر شیخ، روایت عمار نه تنها راه را برای انتخاب آزادانه بین این دو ترتیب باز می‌گذارد، بلکه بیانگر آن است که هر دو ترتیب مستحب هستند و هر یک فضیلت خاص خود را دارند.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] طوسی، محمد بن حسن، «تهذیب الأحکام»، ج 2، ص 353، حدیث 50.
- [2] صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، «جواهر الکلام (ط. القديمة)»، ج 13، ص 57.
- [3] انصاری، مرتضی بن محمدامین، «رسائل فقهية (انصاری)»، ص 314.
- [4] صاحب جواهر، جواهر الکلام (ط. القديمة)، ج 13، ص 57.
- [5] انصاری، رسائل فقهية (انصاری)، ص 315.
- [6] همان، ص 314.
- [7] همان، ص 315.
- [8] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 4، ص 288، حدیث 5.
- [9] انصاری، رسائل فقهية (انصاری)، ص 315.
- [10] همان.

منابع

انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهية (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفکر الإسلامی، 1414.
حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، 1416.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بى.تا.
طوسى، محمد بن حسن،، تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1365.